

## قلب‌های سه‌گانه ؛ عبادات سه‌گانه

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند:

|  |  |
|--|--|
| الْقَلْبُ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ:                 | دل سه گونه است:                                      |
| قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا،                 | دل گرفتار دنیا،                                      |
| و قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْعُقْبَى،               | دل گرفتار عقبی                                       |
| و قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْمَوْلَى.               | و دل گرفتار مولا.                                    |
| أَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا     | دلی که گرفتار دنیا باشد،                             |
| فَلَهُ الشَّدَّةُ وَ الْبَلَاءُ،               | سختی و رنج نصیب اوست،                                |
| وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْعُقْبَى   | و دلی که گرفتار عقبی باشد،                           |
| فَلَهُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى،                  | درجات بلند نصیبش شود،                                |
| وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْمَوْلَى   | و دلی که گرفتار مولى باشد،                           |
| فَلَهُ الدُّنْيَا وَ الْعُقْبَى وَ الْمَوْلَى. | هم دنیا دارد و هم عقبی را و هم مولا را. <sup>۱</sup> |

و برخی گفته‌اند:

طالب دنیا رنجور است

و طالب عقبی مزدور است

و طالب مولا مسرور.

دنیا طلبا تو در جهان (نجمی)

عقبی طلبا تو از حقیقت دوری

مولا طلبا تو داغ مولا داری

اندر دو جهان مظفر و منصور<sup>۱</sup>

همین دسته‌بندی به نحوی در سوره  
واقعه انجام شده و مردم به سه گروه  
تقسیم شده‌اند:

وَ كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (۷)

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۸)

وَ أَصْحَابُ الْمَشْأَمِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمِ (۹)

وَ أَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ (۴۱)

وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۱۰)

شاید بتوان گفت که این روایت در  
خصوص اصحاب یمین و السابقون است:  
امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود:

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً

فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ

وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً

فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ

وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا

فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ

وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.

مردمی خدا را به چشمداشتی پرستیدند،

این پرستش تاجران است،

و گروهی او را از روی ترس عبادت کردند،

و این عبادت بردگان است،

و گروهی وی را برای سپاس و شکر پرستیدند

و این پرستش آزادگان است،

که از برترین نوع عبادت است.<sup>۲</sup>

۱ کتاب محاسبه النفس؛ محاسبه النفس للكفعمی؛

« و در بعضی احادیث این مضمون از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به عبارت دیگر نقل شده و آن این است که فرموده:

مَا عَبْدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكِ  
وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ

لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ

عبودا عبادت و پرستش من از جهت ترس از آتش دوزخ نیست و به انگیزه طمع و دستیابی به بهشت نیست،

فقط چون تو را سزاوار عبادت و پرستش می‌دانم می‌پرستم.»<sup>۲</sup>

اما این روایات به این معنی نیست که نوع دیگر عبادات باطل است؛ بلکه موضوع اهمیت و ارزش عبادت نوع سوم است. عالم عامل و فقیه اصولی و عارف اخلاقی حضرت آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی فرزند میرزا شفیع

امام صادق علیه‌السلام نیز در روایتی به همین مضمون فرموده‌اند:

إِنَّ الْعِبَادَةَ ثَلَاثَةٌ

قَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا

فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ

وَقَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ

فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ

وَقَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ

فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ

وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ

عبادت‌کنندگان سه دسته‌اند:

۱- گروهی که خدای عز و جل را از ترس عبادت کنند و این عبادت بردگانست،

۲- مردمی که خدای تبارک و تعالی را به طمع ثواب عبادت کنند و این عبادت مزدورانست،

۳- دسته‌ای که خدای عز و جل را برای دوستیش عبادت کنند و این عبادت آزادگان است،

و این بهترین عبادت است.»<sup>۱</sup>

۲ شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و

چنانچه در سخنان بعضی از اهل معرفت می باشد.

بله اشکالی ندارد که بگوییم اولیای خدا در بعضی از حالتها و جلوه گر شدن نامهای خداوند بر آنان عملی را فقط به خاطر شایستگی خداوند متعال و برای عبادت او انجام می داده و نیت نزدیک شدن به خدا و رضایت او را فراموش می کرده اند، ولی نمی گوییم: پیامبران علیهم السّلام همیشه در این حالت بوده اند چه رسد به این که دیگران همیشه، یا گاهی با این نیت عملی را انجام دهند. و من عمل به نیت شایستگی خداوند را، برتر از عمل به نیت رسیدن به همسایگی خداوند نمی دانم، به این جهت که ما بالاتر از عبادت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و امیر المؤمنین علیه السلام نداریم و از روایات معلوم می شود که بعضی یا بیشتر اعمال آنها

ملکی تبریزی قدس الله سره الشریف در کتاب «المراقبات» در این خصوص فرموده اند:

بعضی می گویند: کسانی که به کمال رسیده اند، حتی نباید به نیت شوق یا ترس، یا پیوستن به خدا و کسب مقام نزد او، یا به نیت خوشنودی او، عملی را انجام دهند، و باید نیت آنان فقط شایستگی خداوند برای عبادت باشد. و عملی را که به خاطر شوق به وصال خداوند انجام شود ناقص می دانند و بعضی این را عبادت نفس دانسته اند.

ولی گمان نمی کنم هیچ یک از پیامبران و اولیای خدا و فرشتگان نزدیک، اعمال خود را از آنچه آنان می گویند خالص کنند. این افراط است که عملی را که به خاطر رسیدن به رضای خدا و نزدیکی و همسایگی او انجام شود، عبادت نفس بدانیم

چنان‌چه در بعضی از فرازهای آن زیارت می‌خوانیم:

« موالی... لَكُمْ الْقُلُوبُ الَّتِي تَوَلَّى اللَّهُ رِيَاضَتَهَا بِالْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ - آقایان من خداوند اختیار قلوب شما را داشته و با ترس و امید آن را تربیت می‌کند»<sup>۱</sup>

گاهی با نام‌های جمالی خود برای آنان جلوه می‌کند، آنان نیز با پروردگار خود انس گرفته و برای او ناز می‌کنند.

و گاهی با نام‌هایی که نشانه غلبه و جلال اوست در مقابل آنان جلوه‌گر شده که در این حالت آنان به تضرع، استغفار و گریه پرداخته، و با مناجاتی که بیشتر آن استغفار و پناه بردن به خدا و درخواست نجات از جهنم و آتش است، با او مناجات می‌کنند.

فقط به خاطر به‌دست آوردن رضای خدا و نزدیکی به او بوده است.

چه اشکالی دارد گاهی اوقات ترس از مجازات نیز جزیی از نیت آن‌ها باشد. برای کسی که از ترس مجازات خدا غش می‌کند، امکان ندارد یا خیلی مشکل است که این ترس در نیت او هیچ تأثیری نداشته باشد.

به نظر می‌رسد حالت‌های پیامبران علیهم‌السلام و اولیای خدا حتی سرور آنان پیامبر ما صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مختلف بوده و علت آن اختلاف جلوه‌های اسم‌های خداوند متعال برای آنان بوده و خداوند به این طریق آنان را تربیت و درجات آنان را بالا برده و آنان را به خود نزدیک‌تر می‌نموده است.

خداوند برای کمال آنان قلب‌های ایشان را تربیت می‌کرده است،

۱ مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه ائمه‌المؤمنین - بحار الأنوار (ط - بیروت)، جلد ۹۹، صفحه

شدن به دوست، برخورداری از بخشش و نعمت‌ها یا فرار از مجازات او نمی‌باشد، بلکه به این جهت است که شایسته نزدیک شدن می‌باشد. و این یکی از معانی عمل کردن به خاطر شایستگی او برای پرستش است، همان‌گونه که از سرور اولیاء امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر می‌آید، آن‌جا که می‌فرماید:

«تو را به خاطر ترس از آتش یا آرزوی بهشت عبادت نکردم، بلکه تو را شایسته بندگی دیدم آنگاه تو را پرستیدم.»

زیرا آن حضرت علیه‌السلام، نیت شایستگی برای عبادت را در مقابل نیت عبادت از ترس آتش یا خواهش بهشت قرار داده، نه در مقابل رسیدن به رضایت و نزدیکی او.

از خدا می‌خواهیم که قصد نزدیکی و رضایت خود را به ما عنایت فرموده و ما را به درک معنی نیت نزدیک

و این مطلب بر کسی که کمی با احادیث آنان سروکار داشته باشد، پوشیده نیست.

درباره‌ی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده است که بعضی اوقات خطاب به عایشه می‌فرمودند: «برایم بگو، حمیرا» و در عین حال در انتظار وقت نماز بود و به بلال می‌فرمود: «راحم کن، بلال» گاهی نیز هنگام فرود آمدن وحی رنگ و حالش تغییر می‌کرد، و گاهی موقع وزش باد از نزول بلا می‌ترسید، تمام این‌ها نشان‌دهنده مختلف بودن حالت‌هاست. و این مطلب، با انجام تمام اعمال به نیت شایستگی خداوند برای پرستش سازگاری ندارد.

البته بعید نیست منظور این علمای بزرگ از نیت شایستگی خداوند متعال برای عبادت، معنایی باشد که با نیت نزدیک شدن و رضایت او سازگاری داشته باشد، زیرا گاهی انگیزه نزدیک

خود که: «کسی که خدا را فقط به‌خاطر فرار از مجازات عبادت کند، بنده پستی است.» همان‌طور که خود نیز تصریح کرده، منظورش کسی است که اگر ترس از مجازات نبود عبادت نمی‌کرد، که چنین چیزی مخالف صفات عالی انسانی است. و او کسانی را می‌گوید که خدا را سزاوار خدمت کردن نمی‌دانند، که قطعاً از بندگان پست بوده و این اعتقاد خاری در چشم ایمان و اسلام است.

گاهی مخلصین بر خود سخت گرفته و علاوه بر مشغول نبودن به غیر محبوب، با تمام توانایی به کارهای سخت روی آورده و اگر فضیلت دو کار یکسان بود، هر کدام را که سخت‌تر است انجام می‌دهند. آن‌ها بندگان نزدیک خدا هستند، چنان‌چه امیرالمؤمنین علیه‌السلام این‌گونه بود.<sup>۲</sup>

شدن به خود، یا دست کم به توانایی قبول آن به‌طور اجمال، موفق نماید، زیرا عده‌ای از علمای بزرگ درک معنی نزدیکی به خدا را منکر شده و می‌گویند: «معنای قصد نزدیکی چیزی جز انجام عمل به‌نیت دستور خدای متعال نیست و نیتی که بیش از این باشد، مخالف تنزیه خدای متعال است»، گرچه این سخن درستی نیست. مخفی‌نماند که بعضی از بزرگان از روی غفلت گفته‌اند: «عبادتی که به‌خاطر ترس از مجازات یا خواهش بهشت باشد، باطل است.» و این غفلت‌ها و لغزش‌ها از بزرگان و شخصیت‌ها شگفتی ندارد، زیرا در مبتلا شدن آنان به این‌گونه لغزش‌ها حکمتی الهی وجود دارد.

مطلب دیگر این که منظور سید ما قدس سره<sup>۱</sup> در کتاب اقبال از سخن

۲ ترجمه‌المراقبات ص ۲۰۳ - مترجم: ابراهیم محدث بندریگی.

۱ منظور سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس است.